

**دولت همچنان شرکت‌های زیادی دارد؛ اما بازدهی آن، محل بحث است. شرکت‌های توزیع برق دارایی‌شان حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان است. در شرکت‌های توزیع گاز ده‌ها هزار میلیارد تومان دارایی وجود دارد. پالایشگاه گازی که هنوز واگذار نشده و ظاهراً بنا هم نیست که واگذار شود و شرکت‌های دیگر نظیر نیروگاه‌ها، هنوز ۲۰،۱۵ نیروگاه واگذار نشده است که در مجموع چند ده هزار میلیارد تومان است.**

می‌شود؛ اما سازمان باید عکس آن را عمل می‌کرد و می‌گفت حالا که سهم من را کسی نمی‌خرد، آن را به یک صندوق بدهم تا در کارنامه سازمان ثبت شود؛ ولی خود ما جلوی این کار ایستادیم. به همین دلیل بود که گفتم سال ۹۲ زمانی که ما ۴۵ هزار میلیارد تومان سهم فروختیم، حدود ۱۱ تا ۱۲ هزار میلیارد آن رد دیون بود. یکی از دلایلی که سال بعد این عدد به شدت افت می‌کند، این است که ما خود رد دیون را بستیم. بنابراین در دولت یازدهم اساساً فهرستی تصویب نشده که ما بگوییم برای آن چانه‌زنی شده است یا خیر. اما بازگردیم به قبل از دولت یازدهم و منتهی به سال ۹۱ و ابتدای سال ۹۲. آن زمان این مصوبه‌ها تولید می‌شد و قیمت‌گذاری را دولت به هیأت واگذاری محول می‌کرد؛ یعنی این‌طور نبود زمانی که فهرست را می‌بستند بر سر قیمت آن چانه‌بزنند و بگویند این صد تومان یا ۲۰۰ تومان است؛ اما در زشت و زیبا و خوب و بد آن این‌گونه بود؛ برای مثال می‌گفتند چهار شرکت خوب به همراه چهار شرکت بد روی هم در این فهرست قرار گیرد؛ اما چطور می‌شود شرکت‌های بسیاری بدون اینکه هیأت قیمت‌گذاری روی آنها قیمت بگذارد و سقف آنها را مشخص کند، در اختیار تأمین اجتماعی یا سایر صندوق‌ها قرار گیرد؟ آقایان در آن زمان برآوردی داشتند که بر همان اساس این کار انجام و مصوبه آن را تعیین می‌دادند. کم و زیاد آن را نیز بعدها تعدیل می‌کردند. در چانه‌زنی‌هایی که تأمین اجتماعی برای فهرست انجام می‌داد در مهرماه سال ۹۱ اتفاق خاصی رخ داد و ارزش ترجیحی تبدیل به ارزش مبادلاتی شد. این اتفاق باعث شد که ارزش دارایی‌های شرکت‌ها، به یکباره دو برابر شود. درحالی‌که تا پیش از آن، کارشناسان با ارزش هزار و صدتومان قیمت‌گذاری می‌کردند و از آن پس باید با ارزش دوهزار و ۵۰۰ تومان این کار را انجام می‌دادند. در آن مقطع، شاهد یک فروپاشی شدید؛ به این معنی که قبل از مهر ۹۱ اگر تصور بر این بود که مثلاً یک نیروگاهی را باید ۲۵۰ میلیارد تومان یا ۳۰۰ میلیارد تومان خریداری کنند، بعد از مهرماه در قیمت‌گذاری همان نیروگاه قیمت آن ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیارد تومان تعیین شد. عده‌ای فکر می‌کردند که این نقص از سازمان خصوصی‌سازی است؛ در صورتی‌که این اصلاً به ما ربطی نداشت؛ اما متأسفانه خریدارها معتقد بودند اگر واگذاری‌ها با همان نرخ قبلی صورت نگیرد، قبول ندارند و می‌گفتند داریم سر آنها کلاه می‌گذاریم که اصلاً این بحث‌ها نبود. مهر ۹۱ چنین اتفاقاتی افتاد. شاید دلیل اینکه می‌فرمایید بعدها خیلی چیزها تغییر کرد یکی از نکاتی که در افکار رسوب کرده است این مطلب است؛ وگرنه به نظر من اتفاق دیگری در بحث قیمت‌گذاری نیفتاده است.

**ا** اجازه دهید کمی به عقب بازگردیم. به واگذاری پالایشگاه‌ها. همه به خاطر دارند که ورود پالایشگاه‌ها به بورس بسیار باعجله انجام شد؛ چراکه صورت‌های مالی و فرایند کسب و کار آنها هنوز شفاف نشده بود. در ماه‌های اول ورود به بورس نیز قیمت آنها بسیار پایین بود؛ اما پس از گذشت مدتی با اتفاقاتی که افتاد به صورت ناگهانی رخ داد، قیمت‌ها افزایش یافت. این در حالی بود که مشابه مورد کشتیرانی، برخی از آنها به صندوق‌ها واگذار شده بود و مقرر بود که با کشف قیمت در بورس، ارزش آنها مشخص شود؛ ولی نوسانات شدید قیمت موجب بروز اختلافاتی شد که به نظر می‌رسد اخیراً حل شده است.

البته به نظر ما هنوز هم حل نشده است. پالایشگاه لاوان و

بندرعباس داستان دیگری دارد. این دو برای دوهزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بدهی دولت به تأمین اجتماعی در داخل یک مصوبه ۱۸ شرکتی هستند. سازمان خصوصی‌سازی از آن ۱۸ شرکت، ۱۱ شرکت را به وقت خود و بدون دعوا و بدون مشکل، قیمت‌گذاری و به نام تأمین اجتماعی می‌کند که حدود ۳۰۰ میلیارد تومان می‌شود، منتها سه تا از شرکت‌های آن که رجا، لاوان و بندرعباس است، سازمان خصوصی‌سازی بدون قیمت‌گذاری ورقه سهم را به نام تأمین اجتماعی می‌کند و دفاتر را هم امضا می‌کند. این کار سازمان خصوصی‌سازی، به وقت خود از سر دلسوزی و علاقه‌مندی بود که زود این شرکت‌ها را واگذار کند؛ ولی به لحاظ آداب و تشریفات اداری و حقوقی که باید طی شود، این کار صورت نگرفت؛ زیرا باید ابتدا قیمت‌گذاری و در یک قرارداد رسمی امضا می‌شد؛ ولی این شرکت‌ها بدون قیمت‌گذاری واگذار شده بودند. پالایش نفت بندرعباس و لاوان پس از مدتی که از مصوبه می‌گذرد وارد بورس می‌شوند. یکی تیرماه و دیگری دی یا بهمن‌ماه ۹۱. بعد از اینکه این شرکت‌ها وارد بورس شدند، اصولاً باید سه تا شش ماه بعد با تصویب بورس، قیمت‌گذاری می‌شدند که غفلت می‌کنند. مقداری هم شاید مربوط می‌شود به اواخر دولت دهم که فضا ملتهب بوده و تا پایان شهریور سال ۹۲ این کار انجام نشد. زمانی که من مهرماه به شرکت خصوصی‌سازی آمدم، متوجه شدم که سه شرکت سهام به نام شده؛ ولی قیمت‌گذاری نشده است. در آن زمان خواستیم آن دو را از تابلو قیمت برداریم و به قیمت تابلو به تأمین اجتماعی بدهیم، دیدیم که قیمت بسیار بالاست و فقط با واگذاری لاوان، الباقی آن دوهزار و ۲۰۰ میلیارد تومان پر می‌شود. در هیأت دولت در آذر سال ۹۲ این مسئله عنوان شد که دولت یک مصوبه دارد که ۱۱ سازمان را به نام کرده‌ایم، هفت تا شرکت را قیمت‌گذاری و به نام نکرده‌ایم و از این هفت شرکت، سه شرکت را قیمت‌گذاری نکرده‌ایم؛ ولی به نام زده‌ایم. حال که می‌خواهیم این سه شرکت را قیمت‌گذاری کنیم، چنین مشکلی داریم. راه‌حل چیست؟ آقای رئیس‌جمهور در آن جلسه گفتند مصوبه دولت روشن است، یعنی باید قیمت‌گذاری شوند و هرچقدر هم که مازاد بود برای دولت است. این مصوبه که معاونت امور حقوقی وقت ریاست‌جمهوری هم بر آن تأکید داشت، یک سال و نیم طول کشید تا اینکه اجرانشدن آن تصویب شد. دست آخر این مسئله به یک اختلاف بین سازمان خصوصی‌سازی و تأمین اجتماعی تبدیل شد. آقایان در تأمین اجتماعی حدوداً یک سال و نیم از این نظر دولت تمکین نکردند و گفتند ما این سهام را برداشته‌ایم و به شما پس نمی‌دهیم. در نهایت، دولت کوتاه آمد و خواستار شد که با دوهزار و ۲۰۰ میلیارد تومان تمام شرکت‌ها به تأمین اجتماعی واگذار شود. در این بین سازمان تأمین اجتماعی خواستار بستن قرارداد برای آن هفت شرکت باقی‌مانده شد. ما هم به این فکر کردیم که اگر بخواهیم چنین کاری کنیم، باید تک‌تک این هفت شرکت را قیمت‌گذاری کنیم. تصمیم گرفتیم که این قیمت‌گذاری را هیأت وزیران انجام دهد؛ اما تأمین اجتماعی گفت خصوصی‌سازی قیمت‌گذاری کند. در این شرایط اگر ۸ تا ۹ هزار میلیارد تومان سهام را دو هزار میلیارد تومان قرارداد ببندیم، مسئولیت هفت هزار میلیارد تومان بقیه را چه کسی بر عهده بگیرد؟ هیأت وزیران اعلام کردند سازمان خصوصی‌سازی قیمت‌گذاری کند و این ۱۸ شرکت